

مفسران ایرانی و تفسیرهای فارسی

۲

## آثار طبری

چنانچه اشاره شد، طبری در اغلب علوم اسلامی و فنون ادبی تبحر کامل داشت از جمله مؤلفات وی؛

۱- تاریخ بزرگ طبری موسوم به (تاریخ الرسل و الملوک و اخبار هم) متضمن حوادث عالم از آغاز آفرینش تا سال ۳۰۲ هجری.

۲- تفسیر بزرگ موسوم به جامع البیان عن تأویل القرآن.

۳- کتاب اختلاف علماء الامصار فی احکام شرایع اسلام (مشهور به کتاب اختلاف الفقهاء).

۴- کتاب لطیف القول فی احکام شرایع الاسلام.

۵- کتاب الخفیف فی احکام شرایع الاسلام.

۶- کتاب بسیط القول فی احکام شرایع الاسلام.

۷- کتاب تهذیب الآثار و تفصیل الثابت عن رسول الله (ص) من الاخبار.

۸- کتاب فضائل علی ابن ابی طالب علیه السلام.

۹- کتاب فضائل ابی بکر.

۱۰- کتاب رد بر صاحب اسفار.

۱۱- کتاب رساله البصیر فی معالم الدین.

۱۲- کتاب المسترشد فی علوم الدین و القراءات.

۱۳- کتاب در تعبیر رویا.

۱۴- کتاب مختصر مناسک حج.

۱۵- کتاب مختصر الفرائض

اما آنچه در اینجا مورد بحث ماست، تفسیر بزرگ و ترجمه فارسی آن است.

بنا بعقیده فضلا و دانشمندان اسلامی این کتاب بزرگترین و بهترین آثار اوست. این کتاب در سال ۲۷۰ هجری به اتمام رسید و در اندک مدت آوازه شهرت آن در ممالک اسلامی بلند شد و کتب تفسیر (۱) پیشین را در بوته فراموشی انداخت.

محمد بن جریر در کتاب خود از تفاسیر قبلی نام میبرد و به آنها استناد مینماید. از جمله از ابن عباس به پنج طریق، از سعید بن جبیر دو طریق، از حسن بصری سه طریق، از عکرمه سه طریق، از ضحاک بن مزاحم دو طریق، از عبداللہ بن مسعود یک طریق نقل میکند (۵).

برای اطلاع از مقام شامخ طبری به مراجع چهارگانه زیرین مراجعه فرمایند.

### ترجمه تفسیر طبری

این کتاب مستطاب در زمان امراء سامانی که همه مشوق علم و ادب و دانش و فرهنگ فارسی بودند، بفرمان ابوصالح منصور بن نوح سامانی مقارن همان تاریخی که دستور ترجمه تاریخ طبری صادر کرده بود، شروع گردید (یعنی در حدود سال ۳۵۲). ترجمه تفسیر طبری در چهار ده مجلد گرد آمد. سپس آنرا هفت مجلد کردند. هر مجلدی سبعی از قرآن بود نسخه‌هایی که تاریخ تحریر آن در حدود ۶۰۶ هجری مییاشد. نسخه چهارم آن مفقود است جزو کتب مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی بود و اکنون بقیه در جز و کتب خطی کتابخانه سلطنتی موجود است.

از وجوه اهمیت این کتاب یکی عظمت آن و دیگری اشتمال آنست بر تعداد بیشماری از لغات و مفردات فارسی که در مقابل ترجمه مفردات و ترکیبات قرآن آورده است.

این کتاب با نثر ساده و موجز و بی صنعت مرسل نوشته شده است و لغات فارسی بر لغات عربی آن غلبه دارد و از طرز نگارش آن چنین مستفاد میشود که مترجم آن پیرو ترجمه مقید بوده. این کتاب از جمله نثرهای دوره سامانی است که از عربی به فارسی ترجمه گردیده است.

از مختصات این کتاب آوردن لغات فارسی غریب است که در ترجمه کلمات قرآنی بدان نیاز مند بوده است. روش طبری در تفسیر جمع بین روایت و درایت بوده ولی مع الوصف بیشتر

۱ - کتاب مناهل العرفان فی علوم القرآن ج ۱ - ص ۴۹۸ س ۵

۲ - کتاب حضارة الاسلامیه ج ۱ ص ۳۷۲ س ۱۱

۳ - ریحانة الادب ج ۳

۴ - وفيات الاعیان ابن خلکان ج ۳

۵ - كشف الظنون حاج خلیفہ ج ۱ ص ۴۳۷

جانب روایت را گرفتار است و بدین جهت کتابش مورد توجه و مقبول مسلمانان گردیده است .  
 طبری اغلب در مورد تفسیر لغوی فقطرای رادخالت داده است .  
 علت ترجمه طبری بزبان فارسی در مقدمه آن کتاب توجیه گردیده است چنانکه فعلا  
 ذکر شد .

### اصطلاحات و لغات ترجمه تفسیر طبری

حرب کردن بجای جنگ کردن :

مثال : ج ۱ ص ۲۷۷ سطر ۱۸ " حمزه را دید که با کافر حرب همی کرد "

مثال ۲ : ج ۱ ص ۴۷ سطر ۱ " مایی امر خدای عز و جل باوی حرب نکسم

بکار بردن اندرین و اندران :

مثال ۱ - اندرین : ج ۱ سطر ۱۰ " چنین گوید که نام بزرگترین خدای تعالی اندرین

تورات است . "

مثال اندران : " یاد کنید ، آنچه اندران است ، تا مگر شما بپرهیزید . "

شدن بجای رفتن و بشود بجای برود :

مثال ۱ : ج ۱ ص ۸ سطر ۴ " چون پیغامبر علیه السلام از این جهان بیرون شد . "

مثال ۲ : ج ۱ ص ۲۷۶ سطر ۳ " من با تو بزنم . اگر تو مرا بکشی ، ببهشت نوم ، اگر

من ترا بگشم ، ببهشت شوم . "

" بزرگترین علامت فارقه دو شیوه نثر قدیم وجدید "

نباشتن بجای نوشتن :

مثال : ج ۱ ص ۳۷۱ " بدان نگین اندر نبشته بود . که در این جمله کلمه اندر و نبشته

قابل توجه است .

کبسی :

مثال ج ۱ ص ۷۹ س ۱۲ " از قوم داود علیه السلام بودند ، که خدای عزوجل

برایشان خشم گرفت ، و ایشان را کیی گردانید . "

نبیس بجای نویس : مثال ، ج ۱ ص ۱۹ س ۱ " علی را گفت بنبیس . "

استعمال کلمه هنیاز :

مثال : ج ۱ ص ۲۹ سطر ۷ " بگو که از آدمیان کی بخدای عزوجل هنیاز گرفت

و اندرین جهان بهشتی ساخت ؟ "

اوکندن بجای افکندن :

مثال : ج ۱ ص ۴۵۱ سطر ۸ " صورتی بود او کنده از مشرق تا مغرب "

مثال ۲ : ج ۱ ص ۴۸۵ سطر ۹ " صلصال بود خشک شده و بدان جا اوکنده . "

بلگی بجای برگی :

مثال: ج ۱ ، ص ۵۳ سطر ۶: " بلگی از درخت انجیر باز کردند و بر عورت خویش نهادند "

شارستان :

مثال: ج ۱ ص ۲۸ سطر ۱۳ " و از آن شارستان کردروئین و آن شارستان کجاست . " سپید بجای سفید :

مثال : ج ۱ ص ۲۹ " بگو اول کس که بود از آدمیان کموی سروریش او سپیدگشت "

"سبک نگارش ترجمه تفسیر طبری"

طرز جمله بندی بشکل نازی :

مثال : ج ۱ ، ص ۷۸ سطر سوم : چون گفت موسی گروه او را که خدا میفرماید شما را که بکشید گاوی . "

مثال دوم : ج ۱ ، ص ۷۸ ، سطر ۴ ، ترجمه آیه ۶۷ : "گفتند میگیری ما را بفسوس" استعمال باء تاکید بر سر فعل ماضی :

مثال . ج ۱ ، ص ۷۸ ، سطر ۷ " بدرستی که دانستید آنکسها را که از حد بگذشتند از شما اندر شنبذ و سهروز بزیستند پس بمردند . " استعمال باء در سر صیغه های نفی .

مثال اول . ج ۱ ، ص ۷۷ ، سطر ۱ . "ایشان سخن خدای تعالی بگردانیدند و گواهی راست بدارند . "

مثال دوم . ج اول ، ص ۴۵ ، سطر ۳ . "عزرائیل گفت فرمان خدای را بسوگند تو بندهم آوردن این مانند حرف تعریف در غیر مورد اشاره .

مثال اول - ج اول ، ص ۱۵۲ ، سطر ۸ . " و این طالوت مردی بود اندر بنی اسرائیل . "

مثال دوم - ج اول ، ص ۱۵۲ ، سطر ۸ . "ابوسفیان گفت که لو را نگاهدارید که این کار حرب بر لواست . "

مثال سوم - ج اول ، صفحه ۷۹ ، سطر ۱۲ . " و این قومی بودند که بحاضر البحر بودند و ایشان

از قوم داود علیها السلام بودند و خدای عزوجل برایشان خشم گرفت و ایشان را کبی گردانید . " مطابقت صفت در مفرد و جمع .

مثال ، ج ۱ ، ص ۴۱ ، سطر ۲۱ . "موسی بن عمران همچون تو جادو بود و شما هر دو آن جاودانید "

سبک ترجمه تفسیر طبری

از مختصات سبک طبری آن است که جمله ها اغلب کوتاه است و بغایت موجز و مترادفات

اثری نیست .

مثال جلد اول صفحه ۵۱ سطر ۸ " هشیار باشید که شمارا نفریباند و از بهشت بیرون او کند " تکرار لفظ یا جمله‌های فصل در جمله‌ای متعاطفه عیب شمرده نمیشود و دلیل ناتوانی نویسنده محسوب نمیگردد .

مثال جلد اول صفحه ۲۷۰ سطر ۸ " پدرش مظعم بن عدی را غلامی بود حبشی و سخت مردانه بود و زیرک و نام او وحشی بود . "

مثال دوم جلد اول صفحه ۱۵۰ سطر آخر " اندر میان بنی اسرائیل تابوتی بود که آن تابوت ایشان را میراث بود از فرزندان موسی و هرون و آن تابوت چون معجزاتی بود میان بنی اسرائیل و آن تابوت آسایش و آرامش خلق بود و از آن الواح موسی علیها السلام در آن تابوت بود و چنین گویند که طیلسان هرون اندر آن جای بود .

در حدود توانائی و تحقیقی که اینجانب بعمل آوردم است بضرر قاطع میتوانم بگویم در کتاب ترجمه تفسیر طبری از آوردن سجع و موازنه اجتناب بعمل آمده است .

عدم استشهداد بشر پارسی - دیگر از خصوصیات این کتاب عدم استشهداد بشعر پارسی است در صورتیکه در تفاسیر ابوالفتوح رازی و کشف الاسرار اشعار فارسی زیادی وجود دارد .

مثال سوم جلد اول صفحه ۱۳ ( سطر ۱۲ ) ، چشم بیافرید تا عبرتها ببیند و آن جفت است و گوش را بیافرید تا علم حکمت شنود و آن جفت آفرید " .  
افزودن علامت جمع فارسی بر جمع های عربی .

مثال ج ۱ ، مقدمه ، سطر ۱۴ . " همه پیغامبران و ملوک آن زمین بیارسی سخن گفتندی "

#### سبک ترجمه تفسیر طبری

آوردن افعال با پیشاوندهای قدیم از قبیل

۱- اندر . مثال ج ۱ ص ۴۴ س ۲ " گفتند پاکی تو نیست دانشمارا مگر آنچه اندر آموختی مارا "

۲- همی . مثال ج ۱ ص ۴۰ س ۲ " تودروغزنی و این قرآن از برخویش همی گوئی .  
مثال دوم ، ج ۱ ص ۴۱ س ۱۱ " مرایشان راست روز بزرگ عذاب بزرگ بدین معاملت که همی کنند .

عباز . مثال ج ۱ ص ۴۷ س ۵ ( ترجمه آیه ۳۴ " چون گفتیم فرشتگان را که سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس که باز ایستاد . "

مثال دوم ، ج اول ص ۲۷۵ سطر ۱۶ " پس دیگر بار از مدینه برگریخته بود و بیکه باز شده " .

۴- بر . مثال ج اول ، ص ۸۰ س ۹ " هیچ از آن قعر در یا بر نیامدندی تا روز شنبه دیگر "

۵- فرو . مثال ، ج اول ، ص ۴۶ ترجمه آیه ۳۸ س ۱۹ " گفتیم فروروید از آن جا همه "

### استعمال فعل مرکب بجای افعال جعلی

حرب کردن بجای جنگیدن .

مثال جلد اول صفحه ۴۷ سطر ۱ " مایی امیر خدای عز و جل با وی حرب نکنیم " رونده بجای ستاره سیاره و ایستاده بمعنی ثابت .

مثال ج ۱ ، ص ۳۱ " گفت بدین آسمان اندر هفت ستاره است رونده و هزار و بیست و چهار هزار ستاره است ایستاده "

مثال دوم ج ۱ ، ص ۳۲ " قصه این ستارگان رونده و ایستاده و آفتاب و ماه تاب بدین کتاب اندر گفته آید بجایگاه خویش " دشخوار بجای دشوار .

مثال ج ۱ ، ص ۱۲۹ " و تمام کنید حج و عمره خدای را اگر دشخوار شود بر شما " .

### استعمال مه در مقام نهی "

مثال ج ۱ ، ص ۱۲۹ " و مستزید سرهای شمارا تا برسد قربان "

مثال دوم ج ۱ ، ص ۱۲۸ . " و مما زحدا ندر گذرید که خدای نه دوست دارد از اندر گذرندگان را و مه کار زار کنید با ایشان نزدیک مسجد الحرام "

مثال سوم ج ۱ ، ص ۱۳۹ . " و مه بزنی کنید زنان کافره را تا بگروند و مه بزنی دهید مر کافران را "

### استعمال کلمه باشیدن "

مثال ج ۱ ، ص ۱۴۰ . " آن کسها را که ایلا کنند از زنان ایشان باشیدن چهار ماه اگر باز آیند خدای آمرزگار است . "

### " اوام بجای وام "

مثال ج ۱ ، ص ۱۴۶ . " کیست آنک اوام دهد بخدای اوامی نیکو بفرزاید او را افزونیا "

### " استعمال باء در اول افعال منفی بشکل ینه "

مثال ج ۱ ، ص ۱۴۷ . " باری از این شهر بیرون رویم تا مگر ما بنه میریم "